

نظام بانکی و منتقدان آن

ازاین‌رو می‌توان توضیح داد که درباره چند بانک ادغامی که تراز منفی دارند، پرداخت سود به سپرده‌گذاران باعث منفی‌شدن تراز شده است. درآمد بانک‌ها از محل تسهیلات اعطایی به حد کلیات برای تأمین سود سپرده‌گذاران شاید نبوده است و حاصل عملیات تراز منفی و زیان انباشته بوده است. و نکته آخر درباره آیین‌نامه مصوب سال ۸۸ هیئت محترم وزیران است که سال‌هاست از گردونه فعالیت بانک‌ها خارج شده است. آیین‌نامه سال ۹۲ بانک مرکزی، این آیین‌نامه را –که البته هیچ‌وقت اجرائی نشد– اصلاح کرد و به‌تازگی نیز دستورالعمل دیگری برای بهبود امور آمده است. نکته‌ای که باید مورد توجه قرار داد، تفاوتی است که بین مشتریان خوش‌حساب و خدای‌نکرده بدحساب باید قائل شد. نرخ جریمه درباره تسهیلات‌گیرندگانی کاربرد دارد که به تعهد خود در زمان مقرر به‌رهدلیل وفا نمی‌کنند. طبیعی است که باید تفاوتی وجود داشته باشد. درحال‌حاضر برای جریمه بدهکاران بانکی نرخ شش درصد در نظر گرفته شده که به سود مورد انتظار تسهیلات اعطایی اضافه و به‌عنوان وجه التزام طلب می‌شود. چون در نوشته حقوق‌دان محترم «وجه التزام» با نرخ جریمه ۱۴درصدی، در جای‌جای مقاله به‌عنوان «نرخ بهره» به کار رفته است، توضیح فوق لازم بود. از همه مشتریان بانک‌ها نرخ ۴۰ درصد کذایی اخذ نمی‌شود؛ بلکه ۱۴ درصد آن –در همان فضای مقاله– جریمه تأخیر تأدیه دین است و همان‌طور که معروض افتاد؛ چون بانک‌ها اختیار بخشش جریمه را نیز دارند، شاید موارد بسیار نادری را بتوان یافت که عینا از آیین‌نامه مدنظر تاسی شده است.

قانون‌گذاری ۱۰ ریشتری

گروهی هم که معتقدند این اقدام می‌تواند مفید باشد، می‌گویند فایده این اقدام مشروط به مقدمات و شرایطی در سیاست و اقتصاد کشور است که آن مقدمات و شرایط هنوز فراهم نیستند. اما تقریباً هر دو گروه اقتصاددانان و جامعه‌شناسان بسیار نگران واکنش روانی منفی جامعه به حذف چند صفر از پول ملی‌اند. بسیاری گمان دارند که این اقدام در ذهنیت مردم چندان با استقبال مواجه نمی‌شود و ازاین‌جهت تأثیری منفی بر مردم خواهد گذاشت. چنین‌دعه پس از تصویب قانون مقررات پولی، حذف ۳ صفر از پول ملی بزرگ‌ترین و مهم‌ترین قانون در این موضوع است که هیچ گرهی از کلاف سردرگم اقتصاد کشور بازمی‌کند؛ چه آنکه با بازی با روح و روان مردم گرهی بر آن بیفزاید؛ آن‌هم در دوره‌ای که نظم حقوقی اقتصاد کشور در یکی از بدترین شرایط قرار دارد. در اقتصادی که در آن گسل‌ها و شکاف‌های مخرب فراوانی وجود دارد و نظم حقوقی آن از رخت برسته است، تصویب چنین قانونی می‌تواند باعث فعال‌شدن گسل‌های تازه و تحمیل لرزه‌های جدید باشد.این دست نمونه‌ها بسیار است که مجال طرح همه آنها نیست. این سه مورد مشت نمونه خروارند. کار حقوق و قانون، برقرار نظم است. سازمان‌های حکومتی نیز مولد و مجری این قواعدند که به آنها قواعد حقوقی نظم می‌گویم و در قالب انواع اصول حقوقی، قوانین و مقررات و آرا جلوه می‌کنند. گاهی چیزهایی به طور غیرارادی و ناخواسته بر جامعه و حکومت عارض می‌شوند و موجب اختلال و کاهش نظم حقوقی و ثبات انتظام امور می‌شوند. در این موارد حرجی نیست اما شکستگی ماجرا آنجاست که نظام قانون‌نویسی در دولت و شبیه قانون‌گذاری در مجلس خود لویاجی تهیه و نهایتاً تصویب می‌کنند که به شکل مادرزادی ضد نظم‌اند. نه فقط نظم نمی‌آورد بلکه همان نظم مکرنگ موجود را هم بیشتر مختل می‌کنند؛ این یعنی قانون‌گذاری زلزله یعنی نشستن حقوق و قانون روی خط گسل و فعال‌ترکردن آنها. یعنی ترک‌خوردن مستمر و دائم زندگی روزمره. مگر یک ساختمان می‌تواند تاب تحمل چند شکاف، ترک و گسل داشته باشد؟

در آرزوی جهان بدون خشونت

باوجوداین بسیاری از ما ایرانیان برای تسلط در رفتار و زبان عاری از پرخاشگری، نیازمند فرضیه ۱۰ هزار ساعت هستیم.بدیهی است وضعیت خشونت و پرخاشگری فقط در کشور ما نیست که به‌عنوان یک مسئله اجتماعی، منافع ملی را هدر می‌دهد. بر بسیاری از کشورها که عملکرد مثبتی در زمینه رفع نابرابری نداشته‌اند، خشونت و پرخاشگری صدمات آشکاری بر سرمایه اجتماعی وارد کرده است. برای نمونه در کشوری مثل آمریکا به‌عنوان قدرتمندترین اقتصاد دنیا، قتل با سلاح گرم به مسئله‌ای تبدیل شده است که هیچ‌یک از دو جناح جمهوری خواه و دموکرات نتوانسته‌اند درحلی برای آن بیایند. شکل‌گیری گروه خوفناک داعش، کشتار مسلمانان در میانمار، جنگ‌های داخلی، همگی حکایت از آن دارد که اختصاص روزی برای ریزش از خشونت آنچنان نقشی در کاهش آن نداشته است. بدیهی است تا مادامی که سیاست‌گذاری‌های کشورها در جهت رفع انواع و اقسام نابرابری‌ها و تبعیض‌ها نباشد، تا مادامی که مردم در قالب تشک‌های مردم‌نهاد، اعتراضات مسالمت‌آمیز را تمرین نکنند و تک‌تک انسان‌ها خود را پایبند به‌یادگیری زبان دشوار ولی کارگشای چرت‌مندی ندانند، در بر پاشنه خشونت خواهد چرخید. سؤال این است که در حرکت به‌سوی جهانی بی‌خشونت کدام گزینه تأثیرگذارتر است؛ سیاست‌گذاران، تشک‌ها یا من و شما؟

اقتصاد

«شرق» از دلایل بررسی عملکرد ایدرو گزارش می‌دهد

متهم در مسند تحقیق و تفحص



این هیئت تحقیق و تفحص از آنجا جریان یافت. درحال حاضر با توجه به اینکه جریان جدیدی در ایدرو مسئولیت پیدا کرده است، فضای مدیریتی جدید نیز وجود دارد؛ اما برای اینکه نظارتی بر کار این شرکت به وجود بیاید، هیئت تحقیق و تفحص شکل گرفت.

عزیزی هنوز نماینده مجلس است

محمد عزیزی به‌عنوان عضو هیئت تحقیق و تفحص از ایدرو یکی از دو نماینده‌ای است که به اتهام ایجاد اختلال در بازار خودرو بازداشت شد و درحال حاضر به قید وثیقه آزاد است. او در هیئت تحقیق و تفحص حضور دارد؛ اما آیا این حضور منطقی است؟ رضیان در این رابطه بیان می‌کند: آقای عزیزی هنوز نماینده مجلس است. او اتهامی در دادسرا داشته است و الان به قید وثیقه آزاد است.او با اشاره به اینکه شغل قبلی‌اش قضاوت بوده است، ادامه می‌دهد: صرف صدور کیفرخواست برای یک فرد و متهم‌شدن او به امری، به مفهوم مجرم‌بودن نیست. مجرم کسی است که رأی قطعی برایش صادر و محکوم شده باشد. حتی در مرحله تجدیدنظر هم باید محکوم شود. بر این اساس عزیزی در مظان اتهام به موضوعی است. فعلاً هم نماینده است و تا زمانی که سمت نمایندگی را دارد و در این مسئولیت مشغول است، به هر جهت شاهد اختیارات و مسئولیت‌هایی هستیم که قانون‌گذار به این فرد واگذار می‌کند و می‌تواند در این فضاها حضور داشته باشد.

حمید گرمایی، عضو کمیسیون صنایع مجلس شورای اسلامی نیز در گفت‌وگو با «شرق» درباره اینکه چرا باید از عزیزی در هیئت تحقیق و تفحص استفاده شود و آیا بهتر نبود که از شخص دیگری در این هیئت استفاده می‌شد، عنوان می‌کند: البته آقای عزیزی هنوز جرشان اثبات نشده است و عضو کمیسیون صنایع هستند. متقاضی و داوطلب بود که در هیئت تحقیق و تفحص باشد و کسی از حضور او ممانعت نکرده است. عزیزی فعلاً عضو کمیسیون است.

با توجه به اینکه عزیزی در مظان اتهام در زمینه خودرو است، به نظر می‌رسد بهتر بود که از چنین فردی در هیئت تحقیق و تفحص از ایدرو به‌عنوان مجموعه‌ای که سازماندهی صنعت خودر در حیطه وظایف و وجود این مجموعه است، استفاده نشود. گرمایی دراین باره می‌گوید: قاعدا

سومین جلسه رسیدگی به اتهامات علی دیواندری و ۸ متهم دیگر

بانک نیز دیرفت طلبش را پرداخت کنم

در سومین جلسه رسیدگی به اتهامات علی دیواندری و هشت متهم دیگر مبنی بر اختلال در نظام اقتصادی کشور، متهم فلاحیان گفت: ۱۰ بار به بانک ملت مراجعه کردم. ولی قبول نکردند تا پول‌ها را بدهم. به گزارش میزان، نماینده دادستان در این جلسه گفت: با توجه به اینکه در قرائت کیفرخواست در خصوص اتهامات آقای علی دیواندری، اشتباهی دربراره مبلغ اتهام قاجاق حرفه‌ای ارز رخ داده است، این اشتباه اصلاح و اعلام می‌شود مبلغ ۵هزارو ۱۲۰۰ایرو هشت شت درصد درست است.قهرمانی ادامه داد: دیواندری مجوز دریافت می‌کند که تا سقف ۴۰۰ میلیون دلار کالا بفروشد که این سقف رعایت نشده است. شرکت‌های زیرمجموعه، کالاها را می‌فروشند و ناگهان ششدار داده می‌شود حدود ۲۴۰ میلیون درهم از وجوه شرکت مینوین وجود ندارد و در اختیار فلاحیان بود. در ادامه دیواندری اعلام می‌کند تا ۱۵۰ میلیون درهم به ۹۰ میلیون دلار تبدیل می‌شود.او درباره مبالغی که به فلاحیان داده شده است، گفت: در مجموع ۳۸۸ میلیون درهم بدون وثیقه و ضمانت به فلاحیان داده می‌شود. شرکت‌های زیرمجموعه در شرایط اضطرار تأسیس شده‌اند تا ارز آماده وجود داشته باشد تا با آنها کالاهای مورد نیاز خریداری شود و حق اعطای تسهیلات را نداشتند.قهرمانی درباره فساد در بانک پارسیان گفت: دیواندری در بانک پارسیان برای پوشش فساد بانک ملت، ۱۶۵ میلیون دلار بدون اخذ مصوبه به فلاحیان می‌دهد که فلاحیان ۲۵ میلیون دلار به بانک ملت می‌دهد و مابقی را نگه می‌دارد. بانک مرکزی تخلفاتی را بیان کرده است که با فرض پرداخت تسهیلات، تأکید شده باید وثیقه مناسب (درجه یک) پارسیان بدهد. دیواندری در بانک پارسیان برای پوشش فساد بانک ملت، ۱۶۵ میلیون دلار بدون اخذ مصوبه به بانک ملت می‌دهد و مابقی را نگه می‌دارد. بانک مرکزی تخلفاتی را بیان کرده است که با فرض پرداخت تسهیلات، تأکید شده باید وثیقه مناسب (درجه یک) پارسیان بدهد. دیواندری در بانک پارسیان برای پوشش فساد بانک ملت، ۱۶۵ میلیون دلار بدون اخذ مصوبه به بانک ملت می‌دهد و مابقی را نگه می‌دارد. بانک مرکزی تخلفاتی را بیان کرده است که با فرض پرداخت تسهیلات، تأکید شده باید وثیقه مناسب (درجه یک) پارسیان بدهد. دیواندری در بانک پارسیان برای پوشش فساد بانک ملت، ۱۶۵ میلیون دلار بدون اخذ مصوبه به بانک ملت می‌دهد و مابقی را نگه می‌دارد. بانک مرکزی تخلفاتی را بیان کرده است که با فرض پرداخت تسهیلات، تأکید شده باید وثیقه مناسب (درجه یک) پارسیان بدهد. دیواندری در بانک پارسیان برای پوشش فساد بانک ملت، ۱۶۵ میلیون دلار بدون اخذ مصوبه به بانک ملت می‌دهد و مابقی را نگه می‌دارد. بانک مرکزی تخلفاتی را بیان کرده است که با فرض پرداخت تسهیلات، تأکید شده باید وثیقه مناسب (درجه یک) پارسیان بدهد. قهرمانی تصریح کرد: آقایان وقتی به بانک پارسیان می‌روند، مبلغی به فلاحیان می‌دهند که با بانک ملت تسویه کند. رابطه کارگزاری میان بانک

حذف یارانه ثروتمندان گامی در راستای عدالت اقتصادی

افسانه شرکت

دانشجوی دکتری دانشگاه علامه طباطبایی

● رفاه اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه اقشار کمتر برخوردار همواره یکی از اهداف و دغدغه‌های دولت‌ها بوده است. برای تحقق این هدف پرداخت یارانه، به‌ویژه نسبت به کالاهای اساسی با هدف کاهش قیمت‌ها و افزایش قدرت خرید مردم صورت می‌گیرد. اقتصاددانان نئوکلاسیکی بر این باورند که یارانه‌های هدفمند و نه پرداخت همگانی یارانه کارترین سیاست به‌منظور کاهش فقر است، این درحالی است که اقتصاددانان نهادگرا بر این باورند که کاهش فقر از طریق سیاست‌های بازتوزیعی در قالب انواع مالیات‌ها امکان‌پذیر است. بسته به نوع و ساختار یا ویژگی‌های اقتصادی هر کشور، هر دو رویکرد فوق قابل اجراست.قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در سال ۱۳۸۸ به‌منظور تحقق ماده (۳) برنامه چهارم

توسعه به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که دو هدف عمده «ایجاد عدالت در توزیع درآمد» و «کارایی در مصرف انرژی» را دنبال می‌کرد. در این قانون دولت مکلف شد تا ۵۰ درصد درآمدهای حاصل از اجرای این قانون را صرف اموری از جمله کمک مستقیم و جبرانی از طریق نظام تأمین اجتماعی به اقشار آسیب‌پذیر، با وجود این، دولت به جای اختصاص درآمدهای حاصل از افزایش قیمت حامل‌ها به اقشار فقیر تصمیم گرفت یارانه نقدی حدود ۴۵ هزار تومان را به تمام اقشار جامعه بپردازد. سؤال مهمی که مطرح می‌شود این است که پرداخت یارانه مساوی به دهک‌های پردرآمد مانند دهک‌های درآمدی پایین چقدر در راستای سیاست حمایت‌گری دولت است؟ به زبان ساد تر آیا باید به دهک‌های پردرآمد هم یارانه داد؟تجربه کشورهای مختلف، از جمله کشورهای منطقه منا نشان داد که سیاست پرداخت یارانه‌ها به دلیل حجم بالای یارانه‌ها و سهم بسزای آنها از بودجه دولت عموماً اهداف دولت در زمینه کاهش فقر را محقق نمی‌کنند و آنها مجبور به اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها شدند. کشورهایی که در دهه ۱۹۹۰ اصلاحات عمده‌ای (فراگیر) و اصلاحات تدریجی را پذیرفته‌اند (مانند الجزایر، مصر، اردن و تونس) توانسته‌اند گام‌های بسیار موفقیت‌آمیزی در این زمینه بردارند. تجربه ۹ سال پرداخت یارانه نقدی در ایران نیز گواه بر صحت این تجربه است. از همان فاز اول اجرای قانون هدفمندسازی مشخص شد که مجموع مبلغ پرداختی یارانه نقدی بسیار بیش از درآمدهای حاصل از افزایش قیمت حامل‌های انرژی شده است؛ بنابراین سیاست پرداخت نقدی یکسان به همه اقشار جامعه نه تنها سبب کسری بودجه دولت شده است که اجرای سیاست فوق به ۱۳۸۹ اهداف توزیعی و حمایتی خود نیز دست نیافته است. از این رو، تنها راهکار اجرائی پیشرویی دولت اصلاح نظام فوق از طریق حذف تدریجی دهک‌های درآمدی بالا عنوان شد.مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۳) در گزارشی به بررسی اثر حذف یارانه سه دهک خانوارها بر تولید و توزیع درآمد می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که در فاز اول پرداخت یارانه وبر، حذف دهک‌های بالای درآمدی را به میزان بسیار بیشتری نسبت به دهک‌های پایین‌تر می‌درآمدی بهبود بخشیده است؛ بنابراین پرداخت یارانه به شکل نقدی و برابر نه‌تنها کمکی به بهبود توزیع درآمد نکرده بلکه آن را بدتر هم می‌کند. مسئله مورد توجه آن است که چرا دولت با وجود چنین شواهدی همچنان تا فاز سوم اصرار به ادامه پرداخت یارانه‌ها داشته است؟بالاخره در تبصره ۱۴ قانون بودجه سال جاری دولت مکلف شد تا یارانه سه دهک پردرآمد را که قریب به ۲۴ میلیون نفر جمعیت کشور را دربر می‌گیرد، حذف کند. اگرچه به نظر می‌رسد در شرایط تورم ۲۲ درصدی که اقتصاد ایران امروز با آن مواجه است، رقم یارانه هر فرد ناچیز است اما مجموع مبلغی بالغ بر ۱۵۱۰ تومان منع از آن‌هاشده در اختیار دولت قرار می‌گیرد که نه تنها می‌تواند بخشی از کسری بودجه خود (به دلیل کاهش درآمدهای نفتی) را جبران کند که بخش دیگری از آن را نیز می‌تواند برای کاهش رفاه جامعه و به‌ویژه خانوارهای کم‌درآمد سیاست‌های حمایتی را در سطح وسیعی اعمال کند.اگر از بُعد دیگری به مسئله حذف یارانه نگاه کنیم، حذف یک‌باره یا تدریجی ۲۴ میلیون نفر در یک سال نه تنها تنش‌های اجتماعی و نارضایتی ایجاد می‌کند که درصد خطای اجرای صحیح سیاست فوق را افزایش می‌دهد. به باور نویسنده، از آنجایی که دولت پایگاه اطلاعاتی جامعی مبنی‌بر شناسایی درآمد افراد ندارد، این احتمال وجود داردکه همچنان وظیفه حمایتگری از اقشار ضعیف جامعه حتی با وجود حذف پردرآمدها به‌صرفه نباشد. حذف باید توجه داشت که صرف پرداخت یارانه، ضمانتی بر دستیابی به رفاه اجتماعی بالاتر نیست.بر اساس توضیحات فوق، به نظر می‌رسد دولت باید به‌منظور ارتقای کارآمدی برنامه‌های حمایتی خود، پایگاه اطلاعاتی خود را بهبود ببخشد، به عبارتی، با جمع‌بندی داده‌های اطلاعاتی مختلف و نیز ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی جدید، پایگاه اطلاعاتی جامعی از درآمد خانوارها تشکیل دهد در این صورت دولت می‌تواند هم از طریق اصلاح نظام یارانه‌ای و هم از طریق سیاست‌های بازتوزیعی مانند سیستم جامع مالیات بر درآمد به شناسایی خانوارهای کم‌درآمد یا حتی حذف خانوارهای پردرآمد بپردازد. فقط در صورت توزیع هدفمند منابع کارایی ایجاد می‌شود زیرا منابع محدود باید به گروه‌های هدف طرح‌های حمایتی اختصاص یابد. درحالی‌که تجربه نشان داد توزیع یکسان یارانه‌ها حمایت مطلق از گروه‌های بالا و متوسط درآمدی است تا اقشار آسیب‌پذیر و دهک‌های پایین درآمدی.